

معماری

نوشتاری درباره نوع گرایش «بانوی آهین» به معماری

«مارگارت تاچر» و شهر نئولیبرال

اُون ھاترلی^۱۔ آرش بصیرت^۲

[illegible]

ت‌گت‌ایانه حاکم بر طراخی آنها بود. حدهای مسکونی تک‌خانوار بارت، در باهم‌ستایی‌ای زیادی خریداری کرد، اگرچه تاجر هیچ‌گاه در آن طراخی متقارن را به پول نقد تبدیل کرد، اما این عمل مطمئن‌کننده‌کننده که او نیز همچون آنها ساختمان‌های با گسردار دوست دارد.

۱۳۸۲ شده توسط برنامه ریز شهری کارل این، دارای
متاح شد.

از ۶۲۰ واحد مسکونی کوچک‌مقیاس که به صورت پیکاسل رادر می‌نوردد.

ماکنون حدود دومیلیون نفر صاحب خانه شده‌اند.

ن پوند و استقرار ۲۸۰۰ کارخانه و ایجاد ۶۳۰۰۰

City: معاونت‌هایی که در نقش مشاوران معماری می‌شدند.

خاطره جمعی

در نشست «شهر، موزه، خاطره»
چگونه شهرهایمان را
موزه کنیم؟

هستند و به همین دلیل امروزه مدیریت شهرها به سمت یک مدیریت فرهنگی رفته است.» در ادامه سعید ساداتیان، معمار با پخش تصاویری از پروژه گروه خود پیرومیر «میدان مشق»، به تشریح نقش مراکز فرهنگی و تاریخی در شهرها پرداخت: «در حدود ۱۸ سال قبل در مورد پروژه‌های فرهنگی-تاریخی تهران تحقیق کردم و این کار هنوز ادامه دارد. که از جمله آنها «میدان مشق» است. هسته‌های تاریخی و فرهنگی، شهرهای ما را می‌سازند همچنان که تمام رونق

کرد: «ما هم در شهرهایمان می توانستیم

چنین کارهایی یک موتور خلاقه را در شهرهای ما راه می‌اندازد و حتی می‌تواند

سرگرمی و آموزش به شمار می‌روند. این موارد، ظرفیت‌های زیادی هستند

«برای اینکه شهروندانی دارای هویت داشته باشند، باید فضاهای تاریخی خود

«را سامان بخشیم.»

ادامه از صفحه ۹

هنوز همان آدم معمولی ام

❖ ذاتا آدم خاموش و بی اعتراضی بودید؟

باز هم باید به نوع تربیتی که خانواده‌ها به من دادند، اشاره کنم و شکر را هم اعتراف می‌کنم. مردم باردار به ما گفت که فکر کنید جایگاه ایستادهاید یا نه؟ چون می‌دانستیم که اگر تکران جغودیر پیشونی من کنید، ما هم هر کدام باید تلاش کنیم یک آجر زیر پامان سفت کنیم. این آموزش در خانواده ما ریشه‌دار بود. خودت مسوولی که آجر زیر پایت را سفت کنی و از کسی توقع نداشته باشی چون هیچ‌وقت دولت‌ها پاسخگو نیستند. اگر من اقبال را در عهده سولویت‌ها به آدم به دلیل این بود که می‌گفتم تا زمانی که احتیاج ندارم از کسی سولویت‌ها بخواهم، کمک نمی‌کنم. چیزی که در من می‌جویدش عشق به نفسانی بود ولی نمی‌توانستم نامی و بچه‌ها را رها کنم بخصوص اینکه دوره ما دوره مطالعی بود. من در هشت سال جنگ، بچه‌هایم را رها نکردم. همه اینها را من از گذشتن بیشتر از آن‌که می‌توانی که در کانا بودم، اوقات بیکار می‌آمد، شد، قلیان کش، مثل یک کوه آتش‌سوز منجر شود یعنی اصلاً تمام نمی‌شد، خوبم نبود تا خالی نمی‌شدنم هر کسی کارهای من را می‌بیند، می‌گوید: «این همه فکر را چرا آوردی؟» می‌گویم: «من الان ۷۲ ساله هستم، ۲۴ زمزم گذشته است، تا ۶۳ سالگی اندوختن، صبر کردم، انبار کردم و این انبار یکدفعه بیرون ریخت. شاید باور نکند وقتی نقاشی را شروع کردم فکر می‌کردم خیلی خوشبخت بودم ولی وقتی نقاشی کردم، زندگی را احساس کردم. مردم را احساس کردم و فکر کردم خود ما مرتبه جودت خود را باور نکنیم کارهای ما می‌شود می‌بینند و می‌گویند شکر است، بچون! آید کار کرد یعنی هرگز برای هیچ کاری آورد نکردم. کارهای من سه مرحله دارد: اول اینکه تصاویر را در داخل مجلات و پوسترها پینا کنم، مثلاً سه مجله را جلوی من گذارم و از همان اول که ورق می‌زنم به داخل مدیتیشن خود می‌روم که خیلی لذت‌بخش است. صفاتی را هم که نظرم را جلب می‌کند، می‌گذارم کنار و موفق بریدن هم اگر من اصلاً کنند، ممکن است دستم را ببرم چون آنقدر شکر می‌کنم که می‌شوم که برش هم بخشی از کارم می‌شود. می‌گویند این کارها من را به دست بیابوم یا اینکه نمی‌دانم از کدام نشیانه را در آورده بودم. انسان را به دست تصویر در می‌آوردم و تصاویری را از نظر رنگ، جهت و اندازه تقسیم‌بندی و بعد شروع به کار می‌کردم. گاهی یک ماه فقط برش می‌نویس و می‌کشد»

➤ اولین نمایشگاه تان در گالری آرتا برگزار شد؟

بله، نمایشگاه من در گالری ارتا واقع در تورنتو برگزار شد. این منطقه مرکز گالری‌های زیادی است.

➤ در این نمایشگاه با کلاژها خودتان را معرفی کردید؟

بله

یکی از محورهای اصلی کار سازمان است و این موضوع در
موردظلم واقع شده. می‌خواهم بدانم این حدیث نفس خودتان است یا
از زبان زنانی که در جامعه حضور دارند، بیان می‌کنید؟

به عنوان یک زن در یک جامعه سنتی، چنین نگاهی به زن دارم. من در جامعه‌ای رشد کردم که از گوشت و پوست و استخوانم گذاشتن و خیلی ستم‌ه خورده، هر صدمه‌ای که فکر کنید. چون در آن دوره خیلی آزاد بودم. من یکم می‌کردم و خیلی آزاد می‌کردم، گرفتاری‌های زیادی داشتم. من می‌دورم که گرفتاری دارم همه این سبایل مغز من را بر می‌کرد اما هیچوقت آدمی نبودم که طراحي من در آن سبایل خود ذهنيت من را منعکس افکارم از همان تصاویر بود و وقتی به وجود می‌آمد گریه می‌کردم. مثل پرنده‌ای بودم که می‌خواستست پرواز کنم. من ۶۹ سالگی اولین مایشانگهام را برپا کردم که از دید خودم پرور کردنی شوی به کار فکر می‌کردند پسند می‌شد که در سن ۳۲ سالگی شروع به کار کرده باشم و در ۶۹ سالگی مایشانگهای من گزار کش که آنقدر بی‌عيب نباشد البته خودم فقط می‌توانم بگویم راضيم. علش همان زمینه‌هایی بود که تجربه کرده بودم و ذهنيته که داشتم. آثاری را که به وجود آورده‌ام، خودم هستند. در این آثار از تمام تجربیات زندگی شخصی و آموزشی استفاده کرده‌ام اما همه‌اش رنج‌های خودم نیست. البته من هم بدون رنج استفاده نمی‌کنم. رنج‌ها برای من همه است. من در کارم چشم، دهان و دماغ را می‌گیرم، برای اینکه در تمام زندگی‌ام اهل بحث و گفتگو بودم، البته خیلی زیاد بحث و با هر کسی بحث نمی‌کردم چون بعدا فهمیدم با هر کسی نباید بحث کنم مثلا با خیلی از هنرمندان و استادهاي دانشگاه حرف می‌زدم. بعد که حرفم تمام می‌شد، آنها جوابی به من می‌دادند که خیلی بر صورت می‌نمود. پس فهمیدم که وقتی من داشتم آنها را من می‌زد اما این‌ها بر تو بود. خوششان آنالیز می‌کردم و اصلا نمی‌فهمیدند که من چه می‌گویم. با موفقی که داشتم از ناراحتی‌های حرف می‌زد، نمی‌دیدند و این رنج

من تنها نیستم و رنج خیلی‌هاست.

✽ منظورشان آدم‌هایی است که تمام این سال‌ها برچسب «عقب‌مانده بودن و معمولی بودن» به شما زدند؟

من ایمی نبوده‌ام که پنج بار برای خودم گدازم سخت‌ترین زنجاری که بر زندگی‌ام را مقابله کرده‌ام، بی‌ساعت بود. از هیچ‌کس هم گدازم وقتی اولین بارمشاکم را برای عروسان گدازم، اما نه‌آنباری که چنین وقتی صورت من داشتند، خودم گدازم و یک افتتاحیه اختصاصی برای آنها گذاشتم، چون آنها به اوج شهرت رسیده بودند و عراشان می‌شد و در محافل می‌خوردند. در نتیجه، یک افتتاحیه اختصاصی با گدازم و سایل بدبازی که خودم کرده بودم، بر گراز کردم تا بدانشان باشد اینها نقاشی‌های آن در محمولی است که کار می‌کرد اما هیچ کدام آنرا نمی‌پایانید.

۴ شما در ۶۳ سالگی کار هنری را شروع و در ۶۹ سالگی هم اولین نمایشگاهتان را برگزار کردید که اصلاً بد هم نیست...

من پشیمان نیستم، اتفاقاً در اولین مصاحبه‌ام، به من گفتند که تو
تجربینست هستی و من گفتم که اعتقاد کامل دارم زن و مرد هیچ کدام
نیستند و باید مکمل هم باشند. من به مرد نیاز دارم و مرد هم به من.
به عنوان یک زن وظایفی دارم و مرد نیز همین‌طور. اگر در زندگی تعادل
وجود نداشته باشد یک جای کار نمی‌تکند. این سطوح از هر دو وظایف را
به عهده گرفتیم نه به این معناست که ناهی بی‌عرضه بود، به دلیل این بود
که او هم از من جدا نیست و حالا که من نمی‌توانم نقاشی کنم، او نقاشی
می‌کند و هر کاری هم از دستم بر می‌آید انجام دادم. هیچ‌وقت هم احساس
نمی‌کردم، عمرم را هدر داده‌ام. حرفم این بود که زنی تمام مسوولیت‌ها را به
همه می‌گذرد و در عین حال حرف‌های کم برایش اهمیت دارد. خوشحالم.
که ناهی هم ایفتشار را داشت، به عنوان یک زن وظایف را درگ تمام انجام داد،
اراحت‌نیستم.

✎ اختلاف نظری با آقای نامی در زمینه هنر ندارید؟

نالی در ابتدا می‌گفت که کارهایمان نقاشی نیست و من می‌فکرتم: «تایساند. من با این کارها ارضا می‌شوم» و بعد می‌گفت: «تو باید نقاشی هم در این کارها بیابوری که مردم فکر نکنند قدرت نقاشی نداری.» حالا مردم برای اینکه قدرت نقاشی‌ام را نشان دهم چندتایی هم نقاشی در آثارم آوردم کلاژ، سبخت‌ترین شیوه نقاشی است و هیچ‌کس حتی آنهایی که میانه کارهایشان هم کلاژ است، نمی‌توانند فقط با یرش چنین افکاری را بیان کنند.

		۷	۶		۹				
			۵		۲				۷
۹					۴		۱		
				۶	۳		۴	۸	
	۹		۸				۵	۳	
	۳		۴			۲	۶		
				۷		۴	۸		
			۲		۵				۱
۵			۱		۸				

حل سودو کو سخت

۳	۸	۴	۷	۵	۱	۶	۹
۱	۵	۶	۹	۳	۴	۲	۸
۹	۷	۳	۶	۸	۲	۵	۱
۵	۶	۳	۱	۹	۷	۴	۸
۲	۹	۱	۸	۳	۷	۵	۶
۷	۳	۸	۲	۵	۹	۱	۴
۶	۱	۷	۴	۲	۸	۹	۵
۸	۲	۵	۳	۷	۹	۱	۶
۴	۹	۲	۵	۱	۸	۷	۳

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عدد‌های بی تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۷۱۸

۷	۴	۹	۲	۳	۱	۵	۶	۸
۱	۶	۲	۵	۸	۹	۳	۴	۷
۵	۸	۳	۷	۶	۴	۹	۲	۱
۳	۱	۸	۹	۴	۶	۳	۷	۵
۶	۹	۵	۳	۷	۲	۸	۱	۴
۲	۷	۴	۸	۱	۵	۶	۹	۳
۴	۳	۷	۶	۵	۸	۱	۳	۹
۸	۳	۶	۱	۹	۷	۴	۵	۲
۹	۵	۱	۴	۲	۷	۸	۶	۳

حل سودوکو ۷۱۷

۶	۸	۳	۵	۷	۴	۹	۲	۱
۳	۲							۸
	۹	۸	۲		۱		۶	۳
		۱	۵			۶		۷
			۴	۱			۳	
	۳	۷				۴	۹	
	۸			۵	۶	۷	۱	
۶				۲			۳	۵
۷	۵						۸	۲

حل سودوکو ۷۱۷

۷	۴	۹	۲	۳	۱	۵	۶	۸
۱	۶	۲	۵	۸	۹	۳	۴	۷
۵	۸	۳	۷	۶	۴	۹	۲	۱
۳	۱	۸	۹	۴	۶	۲	۷	۵
۶	۹	۵	۳	۷	۲	۸	۱	۴
۲	۷	۴	۸	۱	۵	۶	۹	۳
۴	۲	۷	۶	۵	۸	۱	۳	۹
۸	۳	۶	۱	۹	۷	۴	۵	۲
۹	۵	۱	۴	۲	۳	۷	۸	۶

		۶	۸	۳	۵		۴	
۳	۲							۸
	۹	۸	۲		۱		۶	۳
		۱	۵			۶		۷
			۴	۱			۳	
	۳	۷				۴	۹	
	۸			۵	۶	۷	۱	
۶			۲			۳	۵	۹
۷	۵					۸	۲	

الی که در حج انجام می‌دهند- رژه
ط حیاط - سر چشمه ۳ - جام
ر - از توابع مثلثاتی ۴ - کوهستانی
ر از بی آینده - ضمیر سوم شخص
ط - شهر گیلان - جوان نیست
ر - عروس آری - نقاش اسپانیایی
ر - عذر ۸ - سزا پوستی - مجروح

10 1F 13 12 11 1. 9 1 Y 6 5 F 3

جدول ۱۷۱۵

افقی:

- ۱- انجام دادن - جلوگیری از بیماری ۲- پیشگیری‌های‌های‌ او درباره علم شیمی شگفت آور است -
- ۳- سپید ۴- نفس - شهری در استان خراسان - حیران
- ۵- سرگشته - قلمه - حرمی ۶- آینده - گزند گزین
- ۷- خار - شوق ۸- التماس‌کننده - پوشیده شده
- ۹- قطعه - الکترونیکی - هافیک رنال - وسیله ۱۰- کار
- ۱۱- شیطان ۱۲- عین عبارت - گرفتار - گردآوری
- ۱۳- شده - حرف فاصله ۱۴- جمع شدن غیرطبیعی خون
- ۱۵- مایه دیگری در بدن - از رشته‌های دانشی‌های‌
- ۱۶- خوشه‌های‌ گندم - مژده - همکار صندلی
- ۱۷- ایوان آن مایه عبرت است که در عراق قرار دارد - شهر استان یزد ۱۸- پر کل روئیده - بازار
- ۱۹- یس و نه! - شخص مبهم - ترس و بیم ۲۰- تخلص
- ۲۱- استاد همایی - برنج پخته - سوگ و عزای - گل سرخ
- ۲۲- معارفه - مترجم آذری ۲۳- نیروی طبیعت و فطرت - اثر عطار

[illegible]